



دوست ارجمند آمارگودرنگی

با سلام و درود فراوان ، درمانی چندین ماهه خوب کمر ^{جدا} پیست ماخرتم ناخوابگی ^{بود} نداشت

استیبه پیش از اینها دکان زنده ^{پتیلی} خدمت قصه شماره دو دورها که به منزله بیوفایی ^{پتیلی} زده و هم کمر زدنش هماهنگ و از یک مقام شراش تا امروز در بر زمین ^{کمرگازده} دائما در زیر چاپ رفته است ابرار شماره اگر که در نظر دارید این فرستم .

لغیم و تلافی ^م ماراتش سائل و نه آمار زتالی ^{ممنوعه} معاصران ،
کار است بسیار ارزنده و ^{بسیار} به که امیدوارم موفق باشید و چند سال ^{بسیار}
آمرایه ام لغت شده .

پریش که از راه رسیدم آنقدر از نورش دوستان ^{مترک} سال به بن ^{منفذ} کرده و پیام نگذاشته که با هم آسان بگیرم که فوراً به طرف تلفن رو بروم .
و نادم که صدای تان را شنیدم . اما اگر در شرف بود چه می کردید که درنگ نمی کردم ؟
تا که مرا ^{سائل} آیدم ^{ناراض} شما شده و من هم ^{دینار} را به وقت ^{دیگر} والد ^{مادر}
مگر دم که گویان ^{مها} ^{چینی} ^{بود} ^{در} ^{صورت} ^{لطفاً} ^{محمدان} ^{دش} ^{نه} ^{صلی} ^{که} ^{متر} ^{کرد} ^{سگس} ^{خواست} ^{باید} ؟
برایم بنویسید ، شاید اگر آمدن من در ^{دوستانم} به اینجا ^{بیا} ^{نشد} ^{چون} ^{من}
نزد آمان ^{نخوام} ^{رفت} . وقت ندارم .

ببخشید که نامه را ^{سابق} ^{زده} ^و ^{نا} ^{باین} ^{لحظه} .

لله
شهر ایمن ۱۹۹۰